



The Co-Occurrence of Related Words and their Types in the Holy Quran

Rahim Aghaei*

Received: 05/04/2023

Mohammad Mehdi Rezvani Haghghi Shirazi **

Accepted: 10/07/2023

Abstract

The coming together of two or more words with a short space in a language text (co-occurrence) is called. In linguistic studies, only one type of collocation has been mentioned, and in the division of its types, only the structural and grammatical features of the collocation words have been discussed. In this research, we have tried to discover and explain its different types in the Holy Quran, while providing a precise and comprehensive definition of co-occurrence of related words and the criteria to determine it. The findings of the research show that the Holy Qur'an, as a superhuman literary work, has used various methods to instill ideas and concepts and influence the audience, and one of the most important methods is the use of co-occurrence of related words in the linguistic context of the Qur'anic verses. In this research, there are 14 types of word matching in the Holy Qur'an, such as: convergence, semantic inclusion, semantic contrast, lexical component, domain assonance, phonetic association, volumetric assonance, prophetic assonance (verse), relationship Means and tools, sexual relationship, spatial relationship, temporal relationship, causal relationship and attributive-attributive relationship have been discovered and extracted.

Keywords: *Semantic relations, semantic correspondence, semantic convergence, semantic inclusion, phonetic homogeneity.*

* PHD student of Theology and Islamic Studies, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kazroun Branch, Islamic Azad University, Kazroun, Iran .rahemaghaei1401@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Responsible Author) mehdi.rhs@gmail.com



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۱، پیاپی ۳۳

پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۳۳-۱

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.244390.3760



20.1001.1.20083211.1402.17.1.1.0

با هم آیی کلمات مقترن و انواع آن در قرآن کریم

رحیم آقایی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

محمد مهدی رضوانی حقیقی شیرازی** مقاله برای اصلاح به مدت ۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

با هم آیی وقوع دو یا چند کلمه با فاصله کوتاه درون یک پیکره زبانی است که انتخاب هر واژه بر روی انتخاب سایر واژگان و وقوع آنها اثر می گذارد. در مطالعات گوناگون زبانشناختی، اغلب تنها از یک نوع با هم آیی سخن به میان آمده است و در تقسیم بندی انواع با هم آیی، تنها به ویژگی های صوری و دستوری واژگان همنشین پرداخته شده است. در این پژوهش تلاش شده ضمن ارائه تعریفی دقیق و جامع از با هم آیی و معیارهای تعیین آن، انواع مختلف آن را در قرآن کریم کشف و تبیین نماییم. یافته های تحقیق نشان می دهد که قرآن کریم به عنوان یک اثر ادبی فرابشری، برای القای اندیشه و مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب از شگردهای گوناگونی استفاده کرده است که یکی از مهمترین این شگردها، کاربرد هم آیی واژگان در بافت زبانی آیات است. در این پژوهش تعداد ۱۴ نوع از انواع با هم آیی واژگان در قرآن کریم مانند: تقارب، شمول معنایی، تقابل معنایی، جزء واژگی، هم آوایی حوزه ای، تداعی آوایی، با هم آیی حجمی، با هم آیی نبوی (آیت)، رابطه وسیله و ابزار، رابطه جنسی، رابطه مکانی، رابطه زمانی، رابطه علی و رابطه صفتی - اسنادی، کشف و استخراج گشته است.

واژگان کلیدی

روابط معنایی، مصاحبت معنایی، تقارب معنایی، شمول معنایی، هم آوایی.

*دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. rahemaghaei1401@gmail.com

**استادیار گروه ادبیات عرب، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

mehdi.rhs@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

مقدمه

با هم آبی یا «المصاحبه» تجمع ترکیبی واژگانی است که واژه‌های آن در ملازمت و کنار هم می‌آیند و کاربرد پی‌درپی این واژه‌ها سبب می‌شود هرگاه یکی از آنها آورده شود، واژه دیگر خود به خود در ذهن تداعی شود (مختار عمر، ۱۹۹۸، ص ۷۴). نخستین بار فرث، زبان‌شناس بریتانیایی، این رویکرد زبان‌شناسی را مطرح کرد (الدسوقی، ۱۴۲۰، ص ۲۷۹). او معتقد است هر واژه در بافت جدید یک واژه جدید است. از دیدگاه زبان‌شناسی فرث، مفهوم باهم‌آبی این است که معنی هر واژه به کمک واژه‌هایی که معمولاً با آن متلازم می‌شوند و قرارگرفتن آن کلمه در بافت‌های زبانی گوناگون، مشخص می‌شود (صالح حسنین، ۲۰۰۵، ص ۸۱؛ مختار عمر، ۱۹۹۸، ص ۶۸).

درواقع، فرث معتقد است معنای معجمی واژگان با معنایی که به واسطه کاربرد آنها در متن به دست می‌آید، متفاوت است. به بیان دیگر، هر واژه در سیاق، مولودی جدید است و نقش مثبت آن از بافت مشخص می‌شود و سیاق روح جدیدی در آن می‌دمد که با دیگر واژگانی که در یک نظام خطی آمده‌اند، منسجم و هماهنگ است (یونس علی، ۲۰۰۷، ص ۲۰۳). بر اساس این، بافت زبانی متن بر حسب نیازی که مفهوم و موضوع همان بافت اقتضا می‌کند، معنای واژگان را در قالب همنشینی آنها با دیگر واژگان تعیین می‌کند.

همچنین، هم‌آبی از طریق ارتباطی که کلمات با یکدیگر دارند، در متن ظهور می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که ممکن است واژه‌ای با واژه‌های مختلف در ارتباط باشد (لنگرودی و عبدالعلی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). هم‌آبی یک واژه با واژه‌های مختلف همان اقتضایی است که بافت زبانی برای انتقال معنا به مخاطب، آن را ایجاد می‌کند؛ زیرا از طریق همنشینی همین واحدهای زبانی است که امکان انتقال مفاهیم همنشین شده فراهم می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷). محمد حلمی هلیل، با توجه به پیوند معنایی بین واژه‌ها، هم‌آبی را اینگونه تعریف می‌کند «گردهم‌آبی‌های معجمی برای دو کلمه یا بیشتر که بر حسب عادت با همراهی و تکرار آن واژه‌ها و پیوند معنایی بین آنها همراه است» (الحسینی، ۲۰۰۷، ص ۲۹).

هم‌آبی واژگانی از دو عنصر اصلی تشکیل شده است؛ ابتدا کلمه محوری که تناسب و همراهی آن با دیگر کلمات تکرار می‌شود. دیگری کلمه موافق یا هم‌آیند که مصاحبت با کلمه محوری را قبول می‌کند (کریم زکی، ۲۰۰۰، ص ۴۳).



واژه «مصاحبه» در اصطلاح همراهی دو واژه است که غالباً در کنار هم آورده می‌شود به گونه‌ای که یک پیوند معنایی میان آن‌ها وجود دارد. در زبان‌شناسی معاصر از آن تحت عنوان ارتباط کلمات و هم‌نشینی یاد می‌شود و بزرگان ادبیات عربی همچون جاحظ و ابن هشام و ابن عقیل، توجه فراوانی بدان معطوف داشته‌اند. این واژه از ریشه (ص ح ب) به معنای همراهی، ملازمت و جفت شدن بین دو چیز است و در اصطلاح به شکل عام آمدن واژه‌ای در ملازمت و همراهی واژه‌ای دیگر است و یا گردهمایی معجمی برای دو کلمه یا بیشتر که غالباً این عادت بر همراهی و تکرار وقوع آن واژه‌ها به همراه یکدیگر و پیوند مفهومی آن‌ها جریان دارد.

واژه «مقترن» هم به معنی یاور و رفیق شده، پیوند یافته به دیگری، به هم پیوسته و در نجوم ستاره‌ای که به ستاره دیگر نزدیک شود، معنی پیدا کرده است. متن یا جملات از اجزایی تشکیل شده است که تمامی اجزاء آن می‌تواند از وحدت و انسجام پیام برخوردار باشند. این وحدت و انسجام بر اثر تناسب درونی بین اجزای آن به وجود می‌آید. بدین معنا که یک اثر ادبی، از واژه‌ها و عبارت‌هایی تشکیل شده است که ساختار واژگان و معنایی آن در یک شبکه معنایی حرکت می‌کنند. واژه‌ها در گفتار به دلیل توالی‌شان، روابطی را میان خود برقرار می‌کنند، که بر بنیاد ویژگی خطی و یک بعدی زبان استوار است و عنصری که بر روی یک زنجیره قرار می‌گیرد، تنها زمانی ارزش خود را به دست می‌آورد که در تقابل با عناصر پیش و پس از خود و یا هر دوی آن‌ها باشد (سوسور، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۹).

طرح مسئله

زبان عربی با توجه به کثرت صیغه‌ها، ضمیرها، تفاوت مذکر و مؤنث، انواع استعاره‌ها و تفاوت معنای یک لفظ از منطقه به منطقه دیگر گستردگی فراوانی برای معانی و حجم زیاد در الفاظ کم می‌باشد. در علم زبان‌شناسی دانشی به نام «آوا معنایی» وجود دارد که در آن اثبات می‌شود، بهترین حروف و کلمات آن‌هایی هستند که به محض شنیده شدن، معنای خود را به ذهن منتقل می‌کند؛ یعنی بار آوایی حروف و کلمه بسیار نزدیک است.

کلمات مصاحبه یا مقترن بخشی از اثرگذاری آیات قرآن چه در صدر اسلام و چه در قرون بعدی تا الان بوده است و یکی از دلایلی که نقش مؤثری در لذت بردن از قرآن دارد، ضرباهنگ موسیقی الفاظ است، که از کنار هم قرار گرفتن کلمات و چگونگی آرایش واژگان در کنار هم در موقعیت مکانی جمله و سیاق جمله است. یکی از روش‌های برجسته سازی کلام ادبی و

متمایز کردن آن از کلام عادی بهره‌گیری از صداهای خاص و تکرار آن‌ها در واژگان متعددی از یک عبارت است که آفریننده متن با تکرار صداهای خاص، پیام به خصوصی را به مخاطب القا می‌کند.

قرآن کریم دارای ژرفایی است که برای ورود به آن پس از آشنایی با قرائت، نخست باید از باب الفاظ وارد شد، چراکه بدون درک دقیق معنای واژگان نمی‌توان به معنا و مراد حق تعالی از آیات قرآن رسید. درک و کشف معانی واژگان قرآنی یکی از رموز نفوذ آیات قرآن کریم در دل و روح اعراب جاهلی و سایر انسان‌ها و گرویدن به این کلام استفاده از الگوهای آوایی در کلام بوده است و سرتاسر قرآن کریم از آیات مقفی، هم وزن و انتخاب آواهای مناسب و کلمات مصاحب و مقترن موج می‌زند.

در این پژوهش کوشش بر آن است که انواع کلمات مقترن را مشخص کرده، و تقسیم‌بندی و انواع آن بیان شود و به بررسی رابطه بین این کلمات و چینش آنها، چه از نظر ظاهری، وزن، معنا، سیاق و قواعد صرف و نحوی پرداخته و سپس وجهی از وجوه اعجاز قرآن را، در گزینش الفاظ و نوآوری‌های آن اثبات کرده و نقش کلمات مقترن در فهم آیات و دلالت‌های قرآنی مشخص شود.

باید دانست که به تنهایی نمی‌توان به فهم دلالت الفاظ دست یافت لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا ارتباط و اقتران میان چند واژه و جمله که در قرآن کریم بارها به آنها برخورده‌ایم، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. و از سویی دیگر دو آرایه طباق و مقابله که شاید تا کنون به دقت به وجود آن را در عبارات و جملات قرآن کریم به آن توجه نکرده باشیم، مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

هاشمی و همکاران در پژوهشی با عنوان «کاربست چندمعنایی واژگان قرآنی در ترجمه های فارسی» (۱۴۰۲ش) بررسی کرده اند که اکثر الفاظ و اصطلاحات از نظام چندمعنایی پیروی می‌کنند. باور و اهتمام مترجمان و مفسران متقدم به اصل چندمعنایی در ترجمه واژگان نیز در آثارشان مشهود است. صادق خورشیا، محمدهادی مرادی و حسام حاج مؤمن نیز در پژوهشی با عنوان «ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به مثابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی» (۱۳۹۵ش) به بررسی این مهم در سوره کافرون پرداخته‌اند و این نتایج حاصل



آمده است که سوره کافرون بر اساس سه تقابل دوگانه اصلی، از سه سازه اصلی، و سازه دوم نیز براساس سه تقابل دوگانه فرعی از چهار سازه فرعی تشکیل شده است. یکی از این سازه‌های فرعی، عیناً دو بار در متن به کار رفته است که یک بار دلالت ایجابی و یک بار دلالت سلبی دارد. عناصر زبانی در متن به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که سازه‌های سوره را همزمان از هم جدا می‌کنند و به یکدیگر پیوند می‌دهند تا از این طریق، ساختار کلی متن شکل بگیرد. این جدایی و پیوند هم در سطح معنایی سوره به طور عینی نمود دارد و هم در سطوح واجی و واژگانی و نحوی. این مطالعه با تحلیل ساختار سوره کافرون نشان می‌دهد که چگونه معانی مدنظر در سوره، از طریق روابط جانشینی و هم‌نشینی میان سازه‌های سوره در چارچوبی منسجم ارائه شده‌اند.

سهراب مروتی و سارا ساکی در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم» (۱۳۹۲ش) ضمن بازشناسی معنای لغوی و اصطلاحی ذکر، دیدگاه مفسران با رویکرد تاریخی درباره معانی اصطلاحی و تنصیصی ذکر، ارتباط مفهومی آن با واژه‌های هم‌نشین و جانشین مانند قرآن، تقوا و ...، و معنای برآمده از ارتباط سازمان یافته آن‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌اند. سپس با استفاده از قاعده سیاق و دقت در مقتضای آیات قرآن کریم، چگونگی کاربرد ذکر در سرتاسر آیات قرآن کریم تبیین گردیده است. یکی از نتایج مهم بررسی توصیفی، آشکار شدن پیوند معنایی عمیق ذکر با سایر واژه‌های هم حوزه در قرآن است.

سرسرایی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «زبان‌شناسی در قرآن کریم» (۱۳۷۲ش) به بررسی مقایسه‌ای موضوعات قرائت، تجوید، تاریخ جمع‌آوری قرآن کریم، اعجاز قرآن، حروف مقطعه، نزول قرآن و تجوید قرآن براساس مبانی نوین علمی و یافته‌های علم زبان‌شناسی، آواشناسی براساس استخراج واجها و فرایندهای واجی موجود در کلام الهی در دو رشته علوم قرآنی و زبان‌شناسی پرداخته است.

صفر شریف نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «روابط انسجامی در دو سوره مریم و لقمان» (۱۳۸۵ش) به بررسی این مهم پرداخته است که کلیه مفاهیم مرتبط با بحث انسجام تعریف شوند و نقش انسجام واژگانی در فهم و درک معانی قرآن کریم مورد تحلیل قرار گیرند. همچنین در این پایان‌نامه اشاره شده است که تقابل معنایی یکی از انواع روابط معنایی است که بخشی از انسجام معنایی را به وجود می‌آورد.

شریفی و نامور فرگی (۱۳۹۱ش) نیز به بررسی تقسیم‌بندی جدید انواع باهم آیی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی های فرامتنی در شکل‌گیری انواع باهم آیی پرداخته‌اند. در مطالعات گوناگون زبان شناختی، اغلب تنها از یک نوع باهم آیی سخن به میان آمده است و در تقسیم‌بندی انواع باهم آیی، تنها به ویژگی‌های صوری و دستوری واژگان همنشین پرداخته شده است. در این پژوهش برای نخستین بار، هشت معیار برای تعیین باهم آیی‌ها در زبان فارسی ارائه می‌گردد که از آن جمله می‌توان به واژه محوری، سرایت ویژگی و جدایی پذیری اشاره کرد. همچنین باهم آیی‌های زبان فارسی از منظرهای متفاوت مانند: همجواری، تعداد و نوع واژگان، ویژگی‌های متنی و فرامتنی واژگان همنشین، در دسته‌های مختلفی از قبیل باهم آیی‌های بافاصله و بی‌فاصله، باهم آیی‌های ساده و چندگانه، باهم آیی‌های معنایی، بافتی و ... دسته‌بندی شده‌اند با توجه به معیارهای متعددی که در این مقاله معرفی شده است و نیز با توجه به حجم پیکره زبانی به کار رفته با بیش از ۲۰۰ هزار واژه، نتایج این پژوهش می‌تواند در بررسی‌های مختلف در باب باهم آیی‌های زبان فارسی و شیوه‌های مختلف همنشینی واژگان مورد استفاده قرار گیرد. همچنین از یافته‌های این پژوهش می‌توان در فرهنگ‌نگاری و آموزش باهم آیی‌های خاص زبان فارسی به زبان‌آموزان خارجی استفاده کرد.

یحیی معروف نیز در پژوهش خود با عنوان «اعجاز در ترادف الفاظ قرآن کریم» (۱۳۹۱ش) بیان می‌کند که لغت‌شناسان ترادف را عبارت از اتحاد دو یا چند واژه در معنای مراد (مصدق) میدانند. پیشینیان بسیاری از واژگان قرآن را با واژگان دیگری معنا می‌کردند، این امر می‌تواند بر وجود ترادف در نظر آنان دلالت کند. این تلقی در میان معتقدان به وجود ترادف از گذشته تاکنون وجود داشته است. اما از حدود قرن سوم در میان برخی از علمای لغت تلقی دیگری مبنی بر اینکه هر واژه ای برای معنایی خاص متفاوت از معنای واژه دیگر وضع شده است و از این رو هیچ دو واژه ای هم معنا و مترادف نیستند. آنان دو واژه را در صورتی مترادف می‌دانستند که هیچ تفاوت معنایی میان آنها نباشد، به نظر این گروه معادل‌هایی را که لغویان و مفسران برای واژه‌ها بیان کرده‌اند از باب تقریب معناست. به نظر آنان هر اسمی وجه تسمیه ای دارد که از دیگری متفاوت است و ما وجه تسمیه برخی اسمها را می‌دانیم و برخی دیگر را نمی‌دانیم.

۱. همایی لفظی یا مقتون در قرآن کریم

هم آیی از حیث قرابت و نزدیکی به دو نوع تقسیم می‌شود:

هم آیی عادی که این نوع با هم آیی به شکل عادی در کلام یافت می شود و برای مخاطب پیش بینی شدنی است. مانند زمانی که متکلم از واژه «شاخه» سخن می گوید، مخاطب خود به خود منتظر کلمه «درخت» است.

هم آیی غیر عادی یا غیر منتظره که این نوع مصاحبت بستگی به نوع متن و خالق متن و میزان بلاغت او دارد (کریم زکی، ۲۰۰۰، ص ۴۳). در واقع این نوع تناسب با توجه به میزان خلاقیت و بلاغت نویسنده متن، غیرمنتظره بوده و نزد هر ادیب متفاوت است.

«همایی لفظی» نیز در واقع ترجمه اصطلاحات «المصاحبه، التلازم، الإقتران اللفظی، الرصف و النظم، التضام، فئود التوازد» است که پژوهشگران معاصر عرب از این اصطلاحات در تألیفات و نوشته های خود استفاده کرده اند (قائمی و صاعدانور، ۱۳۹۴ش، ص ۸۰).

همایی لفظی از نظریه هایی است که علمای مسلمان و نیز زبان شناسان عرب و ادیبان از آغاز به آن توجه داشتند و شاهد این مدعا نوشته ها و کتاب های آنهاست که با نام «فقه اللغه» یا «معاجم معانی» شناخته می شوند. همایی لفظی یکی از پدیده های شایع زبانی است و در زبان عرب امر جدید و شگفت آوری نیست؛ زیرا مصاحبه لفظی در تمام زبانها شایع است. این همایی ناظر بر «دلالت ترکیب الفاظ بر معنای مطلوب» است، نه اینکه بر حوزه مفهوم لغوی متوقف باشد و این بدان معنا نیست که برای رسیدن به معنای مطلوب ترکیب ها به معنی لغوی واژه ها نیاز نداریم؛ بلکه معنای لغوی واژه ها نقش اساسی و تعیین کننده در رسیدن به مقصود همراهی و تلازم واژه ها دارد.

قرآن مجید جامع ترین و کامل ترین معارف و حیانی را در خود جای داده است. دست یابی صحیح و روشمند به آموزه های این کتاب آسمانی، با توجه به ویژگی های خارق العاده آن، روش شناسی خاص خود را طلب می کند و فهم درست آن نیاز به تبیین دقیق و کامل مبانی، روش ها و مراحل فهم و تفسیر این کتاب الهی دارد. برای انتقال پیام های آسمانی، امکانات زبانی به زیباترین شکل ممکن در قرآن کریم به کار رفته است. قرآن کریم منشوری آسمانی است که با بکارگیری یک رشته الفاظ و تعابیر، معناهایی با شکوه و زیبا ارائه می دهد.

قرآن کریم به عنوان کلام آسمانی، سبکی متمایز از دیگر متون دارد. میزان توجه به این معجزه غیرقابل انکار و جنبه ادبی آن نیز دستمایه پژوهش های فراوان و وزن دانشگاه و غیردانشگاهی بوده است. همین موضوع محققان و پژوهشگران زیادی را به بررسی این سبک خاص مشتاق گردانیده است (قائمی و صاعدانور، ۱۳۹۴ش، ص ۷۷).

کلمات قرآنی طوری انتخاب شده و در کنار یکدیگر با نظم خاصی آمده که هیچ گونه، وضعی در این تألیف مشاهده نمی‌شود و در ترتیب کلمات، دقت خاصی وجود دارد و کلمات برگزیده شده و بکار رفته، در آیات قرآنی، طوری است که کلمه مترادف آن نمی‌تواند جایگزین آن کلمه بشود و به جز، کلمه مستعمل در آیه، کلمه دیگر مناسب آن نیست. چه بسا کلماتی که بظاهر مترادف هستند و در بدو امر، دو کلمه در نظر افراد مبتدی ظاهراً به یک معنی هستند و کتب لغت هم، آن دو کلمه را به یک معنی ترجمه کرده ولی قرآن با دقت خاص، کاربرد کلمات را دقیقاً تعیین کرده و هر کلمه را در مورد خاص خود بکار برده است. قرآن کریم که معجزه‌ی خداوند است، باید از هر کتاب دیگری رساتر باشد، تا این صفت در آن تحقق یابد با توجه به جنبه ربانی بودن واژه‌های آن، ممکن نیست که الفاظ بدون دلیل منطقی در کلام خداوند سبحان ذکر شده باشد و این یکی از اعجازهای قرآن کریم است (معروف، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴).

۲. هم‌نشینی و جانشینی در قرآن کریم

مسئله هم‌نشینی یکی از مسائل مهم معناشناسی است که نقش بسزایی در انتقال پیام دارد. این محور با کاربرد واژگان در معانی اولیه آن و بدون نشانه و با کمترین افزایش و کاهش معنایی، معنای دقیق کلمه را با توجه کلمات قبل و بعد آن بیان می‌کند و از آنجا که واژگان معمولاً، به‌طور مطلق به کار می‌روند، ضروری است که معنای حقیقی آن‌ها با توجه به ساختار متن و واژگان دیگر تعریف شوند. بنابراین کلمات مقترون هم با توجه به سیاق آیه و جایگاه و نقش آن در هر آیه، بار معنای متفاوتی را بیان می‌کند، که هر وقت این کلمه با کلمه‌ای دیگر مقترون شود، کاملاً بار معنایی جدید را ایجاد می‌کند و فضای آیه و انتخاب آن کلمه با توجه به وزن آن، چنین آن، نقش آن معنا و تفسیر جدیدی را به آیه اضافه می‌کند.

این چنینش و قرار گرفتن نیز از نظر علم نحو کاملاً اثبات شده است و دارای قاعده و قانون بوده و از نظر ظاهری و حتی ضرباهنگ موسیقی هم می‌بایست تناسب داشته باشند. ابن اثیر معتقد است که علمای معانی بیان، راجع به صفات واژگان مفرد سخنانی گفته و اختلاف نظر داشته‌اند، در صورتی که اگر در باب زیبایی و نازیبایی بعضی از واژگان فحص کامل می‌کردند، به این نتیجه میرسیدند که در زمره اصوات و مرکب از مخارج حروف هستند؛ بنابراین اگر گوش از لفظی لذت برد، زیبا و اگر به گوش ناخوشایند آید، نازیباست (ابن اثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۱۲).



بافت درونی زبانی، فضایی است که از طریق جمله‌های زبان ساخته می‌شود و اطلاعاتی را در اختیار طرفین گفتگو قرار می‌دهد که در ادامه ایجاد ارتباط مؤثرند (صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱). بنابراین، برای شناخت معنای دقیق یک واژه در بافت زبانی باید آن را با توجه به روابط درونی بین عناصر زبانی، در دو زمینه روابط هم‌نشینی و روابط جانشینی مطالعه کرد. هم‌نشینی معنایی پدیده‌ای است که سبب انتقال معنایی واحدهای هم‌نشین با یکدیگر می‌شود که این انتقال می‌تواند به حدی برسد که یک واحد، مفهوم واحد مجاور خود را در برگیرد و حضور آن واحد مجاور را حشو کند.

در چنین شرایطی کاهش معنایی واژه هم‌نشین به اندازه‌ای است که می‌تواند سبب حذف صورت آن واحد شود (صفوی، ۱۳۸۷ش، صص ۲۴۶-۲۴۸). بدین ترتیب، بارهای معنایی هر واژه درون نظام زبانی گسترش می‌یابد و به‌طور مرتب در ارتباط با عناصر دیگر، مفاهمی و معانی متعددی ارائه می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۳).

هدف اصلی در هم‌نشینی واژگان به هم پیوستن مفاهیم و تصورات فردی هر واژه است؛ زیرا کلمات و واژگان در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع ارتباطی به دست می‌آورند که با یکدیگر دارند؛ در نتیجه، در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی در قرآن کریم هرگز نباید روابط متعددی که هر یک از آنها با دیگر واژگان در کل متن دارند را از نظر دور کرد (ایزوتسو، ۱۳۸۷ش، ص ۶).

رابطه جانشینی، رابطه موجود بین واحدهایی به شمار می‌رود که به جای هم انتخاب می‌شوند و در همان سطح، واحد تازه‌ای پدید می‌آورند (صفوی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۸). به بیان دیگر، اجزای یک عبارت علاوه بر روابط ظاهری که با یکدیگر دارند، هر یک با اجزای دیگری نیز رابطه دارند که در آن ارتباط خاص حاضر نیستند. در اینجا وجود یکی از اجزاء، مانع حضور اجزای دیگر می‌شود؛ به همین دلیل، رابطه هر یک از اجزای پیام با دیگر اجزای مقوله دستوری خود که می‌توانند به حای یکدیگر بیابند و معنای جمله را تغییر دهند، رابطه جانشینی می‌گویند. بدین ترتیب میان الفاظ معناهای یک زنجیره کلامی، دو رابطه افقی و عمودی برقرار است. رابطه افقی همان رابطه هم‌نشینی - ترکیبی است و رابطه عمودی، رابطه جانشینی - انتخابی، میان لفظ و معناهای زنجیره کلامی با لفظ معناهایی است که می‌توانند جایگزین آنها شوند (شریفی، ۱۳۹۴ش، صص ۱۹۹-۱۹۷).

۳. با هم آیی در قرآن کریم

ساختار با هم آیی‌ها یا هم آیندهای واژگانی در تعیین معانی دقیق آن دسته از واژه‌های قرآنی که برداشت‌ها و ترجمه‌های متفاوتی از آن ارائه می‌شود، نقش اساسی ایفا می‌کند. علت و دلالت‌های باهم آیی واژگانی؛ تعدد معنایی واژه، با کاربرد آن در هم آیندهای هم آیی و ترکیب‌های مختلف واژگانی محدودتر می‌شود.

سه معیار آماری، معنایی و نحوی در حوزه با هم آیی وجود دارد که معیار آماری بیشتر در مکتب زبان‌شناسی تجربه‌گرای انگلیسی است که پرچمدار آنها هلیدی و سینکلی است. معیار معنایی پرچمدار آن کوئی است و معیار نحوی پرچمدار آن ملچوک و هاسمن است. عاصی نیز، معیار با هم آیی را در پنج گروه شامل: الف) ساختاری، ب) معنایی، ج) واژگانی، د) کاربرد و ه) نحوی تقسیم بندی کرده است (عاصی، ۱۳۶۸ش، صص ۲۹۷-۳۱۶).

این محدودیت معنایی واژه، از روابط هم‌نشینی با دیگر واژه‌های همسو که دارای ارتباط معنایی هستند، ایجاد می‌شود؛ یعنی حتی در حالتی که واژه به صورت جدای از متن و مستقل در فرهنگ لغت به کار رفته و محدوده معنایی زیادی را به خود اختصاص داده است، در روابط هم‌نشینی و باهم آیی با تعدادی از واژگان همسو در یک جمله با متن مشخص، یک معنی صریح و به دور از ابهام را در بر می‌گیرد که همین مدلول نیز باید به وسیله هم‌آیندهای مناسب و رایج زبان مقصد به متن ترجمه انتقال یابد. به گفته نیومارک:

«ترجمه گاهی تلاش مداومی است برای پیدا کردن هم‌آیندهای مناسب»
(نیومارک، ۱۹۸۸م، ص ۱۸۷).

موضوع هم‌نشینی و هم‌آیندی گاهی مربوط به ملازمت و ترکیب واژگان است و گاهی نیز به انسجام جمله و معنی آن مربوط می‌شود که این انسجام، نتیجه اجتماع واژگان در یک ساختار متداول، کاربردی و دارای سیر معنایی مشخصی است.

«همایی عناصر واژگانی مشخصی که به یک حوزه معنایی خاص تعلق دارند، در چهارچوب موضوع یک متن است که به پیدایش ارتباط بین جملات آن منجر می‌شود» (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۱۶).

۳-۱. ملاک‌های تشخیص با هم آیی در قرآن کریم



اجزای ترکیب، تفکیک پذیر و بازشناختی اند. اجزاء، شفافیت ساختاری و معنایی را حفظ می‌کنند. امکان تولید ساخت‌های اشتقاقی با آنها و شرکت آنها در ساختارهای بزرگ نحوی وجود دارد. بسامد کاربرد این ترکیبات نسبت به ترکیبات تصادفی بیشتر است. ترکیب، کاربردی عام دارد. در این مرحله، ترکیب همایند، تثبیت و قاموسی می‌شود (پناهی و همکاران، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰۸).

بنابراین باهم آبی های واژگانی، ترکیبات و مجموعه‌هایی از واژگانی هستند که هر یک از آنها ابعاد و استقلال معنایی دارند، اما در ترکیب باهم آبی‌ها تا حد زیادی در خدمت دلالت‌های یکپارچه جمله یا متن قرار گرفته و معنی تحمیل شده را در بر می‌گیرند. کشف معانی واژه‌ها معمولاً در داخل ترکیب و ساختاری که در آن قرار دارد، روشی برای دستیابی به مدلول واژگان است. مالک تشخیص جواز باهم آبی نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها، بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها است. (پناهی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰۰).

تفاوت‌های مربوط به الگوبندی باهم آبی در زبان‌های مبدأ و مقصد می‌تواند مشکلات بالقوه‌ای را در ترجمه ایجاد نماید. گاهی ممکن است مترجم به تفاوت معنایی یک کلمه بر اثر هم‌نشینی با یک کلمه خاص دیگر توجه نکند و باهم آبی مورد نظر را به صورت لفظ به لفظ ترجمه نماید و در زبان مقصد، ترکیبی ناشناخته تولید کند. توجه نکردن به الگوبندی زبان مقصد و تکیه بیش از حد بر الگوبندی متن مبدأ نیز می‌تواند ترکیب‌های ناآشنا و بیگانه با زبان مقصد تولید کند و در نتیجه، ارتباط مخاطب با متن ترجمه مختل شود. (امیری‌فر و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳).

مهم‌ترین عامل انسجام واژگانی که ارتباط مستقیم با انسجام معنایی پیدا می‌کند، عامل ارتباط با موضوعی معین است. یعنی از آنجا که یک متن، در ارتباط با یک موضوع خاص و دارای ویژگی مهمی به نام پیوستگی معنایی است و جملات تشکیل دهنده متن باید دارای روابط زیرین (ژرف ساختی) با هم باشند، این روابط در کاربرد واژگان به طور کامل منعکس می‌شود. محور هم‌نشینی همان محور افقی کلام است که اجزای کلام در آن با یکدیگر هم‌نشین می‌شود. و محور جانشینی محور عمودی است که در آن اجزاء جانشین یکدیگر می‌شوند و رابطه جانشینی برقرار می‌کنند در محور جانشینی زبان واژگانی که جانشین یکدیگر می‌شوند می‌بایست مقولات دستوری واحدی داشته باشند در این محور به معنا توجه نمی‌شود و این کلمات الزاماً نباید هم معنا یا مترادف یکدیگر باشند (ابراهیمی و کیوان نژاد، ۱۳۹۲ش، ص ۳۶).

۲-۳. کاربرد کلمات مقترن در فهم دلالت های قرآنی

زبان از تمدن یک ملت، اشعار و سخنان، آداب و رسوم، عقاید، گرایش‌ها، درجه فرهنگی، شیوه نگرش به زندگی، اوضاع و احوال محیط جغرافیایی و امور اجتماعی عامه مردم بسیار تأثیر می‌پذیرد ... و هر نوع تغییر و تحولی که در یکی از این جوانب روی دهد، بدون شک بر تطوّر و تحوّل زبان تأثیر خواهد گذاشت (وافی، ۱۹۹۷م، ص ۲۵۷). تحت تأثیر تمدن جدید و تحولات اجتماعی که پدیده‌های همایی بین واژگان دچار تغییر و تحوّل می‌شود؛ زیرا شرایط محیطی اثر فعالی در پیدایش و ساختار بخش‌های بزرگی از مصاحبات دارد.

ابراهیم انیس در این زمینه می‌گوید:

«بسیاری از مصاحبات را می‌یابیم که در عصر حاضر به کار نمی‌روند و مطابق با از بین رفتن محیطی که در آن پدید آمده‌اند، متروک گشته‌اند مانند: «لطم المنتقش، سیر السوانی، حمام منجاب، سوق العروس، مندیل عبده، عین بشار» (انیس، ۱۹۸۰م، ص ۱۴۷).

وی پس از ذکر کردن بخش زیادی از این نوع مصاحبات نتیجه‌گیری می‌کند که این همایی‌ها با از بین رفتن محیطشان از بین رفته‌اند و از احدی شنیده نشده است که آنها را در زبان جدید به کار گیرد.

پدیده تطوّر دلالت آشکاری دارد بر اینکه زبان موجودی زنده است و از عوامل و پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که پیرامونش وجود دارد، تأثیر می‌پذیرد (بشر، ۱۹۸۷م، ص ۱۷۰). پژوهشگر معاصر دیگری معتقد است تطوّر زبانی پدیده‌ای طبیعی و امری حتمی است که لازم است بدان اعتراف شود (انیس، ۱۹۸۰م، ص ۱۲۳). از بهترین دلایل بر تطوّر و تحوّل زبانی، چیزی است که برای زبان عربی بعد از نزول قرآن کریم رخ داده و به طور وسیعی بر تطوّر زبان جاهلی در دلالت الفاظ و ترکیب‌ها کمک کرده است.

در کتاب «فی التطوّر اللغوی» تأکید شده که نزول قرآن حایل و جداکننده دو دوره‌ای بود که زبان در آنها می‌زیسته است؛ زیرا زبان در انتقالش از دوره اول قبل از نزول به دوره دوم بعد از نزول دچار عمیق‌ترین تغییرات بنیادی و اساسی شد (شاهین، ۱۴۰۵ق، ص ۱۲). در نتیجه زبان‌های زنده دنیا از آغاز خلقت انسان، به صورتی که امروزه هستند، نبوده‌اند؛ بلکه بر اثر گذر زمان و تأثیرپذیرفتن از عوامل محیطی پیرامونشان، دچار تحوّل شده و تکامل یافته‌اند.

در حال حاضر نیز همایی‌های لغوی جدیدی را هستند که بین برخی واژگان به خاطر پاسخگویی به ضروریات و نیازهای عصر جدید و شرایط محیط اجتماعی امروزی به وجود آمده‌اند. برخی کتب و مجله‌های عربی، همایی‌های زبانی جدیدی را که در اثر شرایط محیطی و رویدادها پدید آمده‌اند، ثبت کرده‌اند (ر.ک: گُرد، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۸). مانن:

- «عَمَلِيَّةُ إِرْهَابِيَّةٍ: عملیات تروریستی»
- «التَّفْجِيرَاتُ الْإِرْهَابِيَّةُ: انفجارهای تروریستی»
- «عَمَلِيَّةُ انْتِحَارِيَّةٍ: عملیات خودکشی»
- «حَرْبُ الشُّوَارِعِ: درگیری‌های خیابانی»
- «ضَرْبَةُ جَزَاءٍ: پناستی»
- «تَكْرِيْرُ الْبِتْرُولِ: پالایش نفت»
- «حَقْلُ غَازٍ: میدان گازی»
- «مَسْرَعُ السِّيَاسَةِ: میدان سیاسی»
- «مُعَارِكَةُ النَّهْضَةِ: نهضت رنسانس»
- «الْوَعْيُ الْقَوْمِيّ: آگاهی ملی»
- «الرَّغْبَةُ الْمَلْحَّةُ: میل شدید»
- «سَكْنَةُ دِمَاغِيَّةٍ: سکتة مغزی»
- «جُيُوبُ الْمَقَاوِمَةِ: پایگاه‌های مقاومت»
- «الْأَسْلِحَةُ الذَّكِيَّةُ: سلاح‌های هوشمند»

پس می‌توان نتیجه گرفت که پدیده همایی زبانی همچون دیگر پدیده‌های زبانی مطابق با تغییر و تحولات محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دچار تغییر و تحول می‌شود (داود، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۸).

۴. انواع با هم آیی‌ها در قرآن کریم

با بررسی متون مرتبط با موضوع و تأمل در آنها در قالب جداول زیر انواع روابط با هم آیی شامل: هم معنایی، وسیله- ابزار، شمول هم معنایی، جزواژگی، تقابل معنایی، هم آوایی حوزه ای، تقابل رابطه جنسی، مکانی، علی و صفتی، با هم آیی حجمی و زمانی ارائه شده است که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۴-۱. تقارب

هرگاه کلمه دوم در جهت تکمیل معنای اول آورده شود تا مفهوم تکمیل شود و می توان آن را به جای یکدیگر بکار برد اما باید توجه داشت که هم معنایی مطلق وجود ندارد. اگر دو واژه به جای یکدیگر به کار روند؛ اما در معنای زنجیره گفتار تغییری حاصل نشود، میتوان آن دو واژه را هم معنا قلمداد کرد؛ البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هم معنایی مطلق در هیچ زبانی یافت نمی شود. ممکن نبودن وقوع هم معنایی مطلق در نظام زبان را در نمونه های ذیل می توان مشاهده نمود:

- (۱) ممکن است واژگان هم معنا در رابطه شمول معنایی باشند.
 - (۲) ممکن است واژگان هم معنا با واژه هایی هم نشین باشند که امکان جانشینی با سایر واژگان را از آنها سلب کند.
 - (۳) ممکن است واژگان هم معنا به گونه های زبانی مختلفی تعلق داشته باشند.
 - (۴) ممکن است واژگان هم معنا در بار عاطفی با یکدیگر تفاوت داشته باشند.
- لذا در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ...» (توبه: ۶۰) میتوان به واژگان فقراء والمساکین اشاره کرد که تقریباً هم معنا به حساب می آیند.

جدول ۱. نوع هم معنایی (تقارب) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	بقره ۳۰	نسیح و تقدس	هم معنایی
۲	بقره ۶۴	فصل و رحمت	هم معنایی
۳	بقره ۱۰۹	واعفو و اصفحوا	هم معنایی
۴	بقره ۱۱۹	بشیر و نذیر	هم معنایی
۵	بقره ۱۷۱	دعا و ندا	هم معنایی
۶	بقره ۱۷۷، ۲۱۴	الباساء و الضراء	هم معنایی
۷	عمران ۱۳۸	هدی و موعظه	هم معنایی
۸	عمران ۱۵۴	صدر و قلوب	هم معنایی
۹	عمران ۲۰۰	اصبر و صبورا	هم معنایی



یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که هم معنایی در دو سوره بقره و عمران بیشترین تکرار داشته و همچنین بیشترین نوع رابطه هم معنایی در سوره بقره مشهود است. ترکیب واژه‌ها در زبان‌های مختلف متفاوت است. هم‌نشینی یعنی به هم پیوستن کلمات در عبارات و جملات به گونه‌ای که از نظر واژگان، گفتاری یک‌پارچه و یکدست ایجاد نماید. ترکیبی که از نظر واژگانی در یک زبان ایجاد معنایی صحیح می‌نماید چه بسا که در زبان دیگر چنین نکند. هر واژه در هر زبان دارای دامنه‌ی هم‌نشینی مربوط به خود و یا محدودیت‌هایی است که استفاده‌ی معنادار از آن را محدود می‌کند. هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که امکانات هم‌نشینی یکسانی داشته باشد. بعضی واژه‌ها دامنه‌ای بسیار محدود و بعضی دیگر هم‌نشینی‌های بسیار فراوان دارند.

۲-۴. رابطه وسیله و ابزار

هرگاه یکی از واژه‌ها یک وسیله است که باعث انسجام شدن کار می‌شود. قرآن کریم به عنوان یک اثر ادبی فرابشری، برای القای اندیشه و مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب از شگردهای گوناگونی استفاده کرده است، یکی از این شگردها کاربرد هم آیی واژگان در بافت زبانی آیات است. یکی از مهمترین ویژگی‌های ساختاری قرآن کریم، تناسب و انسجام حاصل از ارتباط معنایی واژه با واژگان دیگر است. این ارتباط معنایی با استفاده از تناسب معنایی قابل تبیین است و از این جهت مناسبت دارد از محور هم‌نشینی که یکی از راهکارهای عمده در انتقال پیام گفتاری است بهره برد. ارزش چینش واژگان و گزینش آن‌ها توسط گوینده، باتوجه به ارتباط معنایی واژگان هم‌نشینی، آشکار می‌شود.

جدول ۲. نوع هم معنایی (رابطه وسیله - ابزار) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	طه ۱۸	عَصَاۤیَ اُتُوْکَآ	رابطه وسیله و ابزار
۲	نور ۳۵	کَمْشَکَاةٍ فِیْهَا مِصْبَاحٌ (جمع / ابزاری)	رابطه وسیله و ابزار
۳	۱ قلم	وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُوْنَ	رابطه وسیله و ابزار

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که نوع هم معنایی (رابطه وسیله - ابزار) در سه سوره از قرآن کریم آمده است. قرآن کریم به عنوان یک الگوی زبانی، همیشه مورد توجه پژوهشگران و ناقدان ادبی بوده است. پژوهشگران حوزه علوم قرآنی و زبان‌شناسی، همواره تلاش کرده‌اند زیبایی‌های ظاهری و درونی این معجزه الهی را به طبق مختلف و با یاری گرفتن از رویکردها و نظریه‌های نقدی و ادبی جدید و قدم واکاوی و کنکاش کنند تا علاوه بر کشف زیبایی‌های ادبی جدید در قرآن، خودنمایی این اعجاز الهی را در برابر نظریات و مکاتب نقدی معاصر به رخ کشیده و رمز تازگی و جاودانگی آن نمایان‌تر شود.

۴-۳. شمول معنایی

چنانچه مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح می‌شود. این رابطه در واقع رابطه بین یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است. واژه ای که مفهومش واژه‌های دیگر را در بر می‌گیرد واژه شامل و واژه ای که بر مفاهیم تحت شمول دلالت دارد، زیر شمول نامیده می‌شود. واژه‌های زیر شمول نیز نسبت به یکدیگر واژه‌های هم شمول تلقی می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰) مانند «يُبَيِّتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابُ وَمَنْ كُلِّ التَّمْرَاتِ» (نحل: ۱۱). در این آیه ثمر (به معنای میوه) واژه شامل نامیده می‌شود. هر یک از واژه‌های «الزیتون»، «النخیل» و «الأعناب» برای ثمر واژه زیر شمول به حساب می‌آیند. واژه‌های «الزیتون»، «النخیل» و «الأعناب» نیز نسبت به یکدیگر واژه‌های هم شمول تلقی می‌شوند.

جدول ۳. نوع هم معنایی (شمول معنایی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۷ حمد	مغضوب و ضالین	شمول معنایی
۲	۱۷ بقره	اضاء و نور	شمول معنایی
۳	۱۹ بقره	رعد و برق	شمول معنایی
۴	۶۱ بقره	الذله و مسکنه	شمول معنایی
۵	۸۵ بقره	اثم و عدوان	شمول معنایی
۶	۹۸ بقره	ملاکه و جبریل و میکال	شمول معنایی



(بافاصله)			
شمول معنایی (بافاصله)	کفر و مشرکین	۱۰۵ بقره	۷
شمول معنایی	رکع السجود	۱۲۵ بقره	۸
شمول معنایی (نوع صفتی)	حلالاً طیباً	۱۶۸ بقره	۹
شمول معنایی	سوء و فحشا	۱۶۹ بقره	۱۰
شمول معنایی (رابطه ای)	والدین و اقربین	۱۸۰ و ۲۱۵ بقره	۱۱
شمول معنایی (زمانی)	شهر رمضان	۱۸۵ بقره	۱۲
شمول معنایی (صفتی، اسناری)	حی قیوم	۲ عمران	۱۳
شمول معنایی	مات، قُتل	۱۴۴ عمران	۱۴
شمول معنایی	ماتو وقتلو	۱۵۶ عمران	۱۵

۴-۴. جزء واژگی

این نوع از مقترن رابطه کل به جز را میان دو مفهوم نشان می‌دهد. جزء واژگی اصطلاحی است که رابطه کل به جزء را بین روابط واژگانی نشان می‌دهد. این رابطه را میتوان با جملاتی نظیر X جزئی از Y است یا اینکه XY دارد، مطرح ساخت. جزء واژگی حاکی از نوعی رابطه سلسله مراتبی بین عناصر واژگانی است. به عنوان مثال در آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ» (انعام: ۹۹) میتوان رابطه نبات (گیاه) را با خضراً (شاخه های سبز)، حبا (دانه)، طلع (شکوفه خرما) و موارد دیگر، جزء واژگی دانست.

انتقال معنا و نشان دادن ادبیات جامعه با هم آیی در هر فرهنگی دارای محدود مشخص قواعد و قانون دستوری خاصی است به طوری که حتی کودک از ابتدا این گونه قواعد را بکار می‌گیرد و در بیان کلمات و واژگان مقترن در همان قواعد زبان مادری پیش می‌رود. با مطالعه با هم آیی می‌توان بر سبک های متفاوت بیان در شیوه یادگیری عناصر زبانی دست یافت.

جدول ۴. نوع هم معنایی (جزء واژگی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۴۳ بقره	الصلاه و رکوه	جزواژگی
۲	۵۸ عمران	ایات و ذکر	جزواژگی
۳	۱-۲ نساء	الصلاه سجدوا	جزواژگی
۴	۳۸ انعام	طائر بحناحیه	جزواژگی
۵	۲۴ ابراهیم	شجره اصل و فرع	جزواژگی
۶	۷۹ نحل	جو سماء	جزواژگی
۷	۱۹ کهف	بعض یوم	جزواژگی
۸	۳۵ احقاف	ساعه من النهار	جزواژگی
۹	۴۰ ق	من اللیل	جزواژگی
۱۰	۱۵ الرحمن	مارج من النار	جزواژگی
۱۱	۲۰ جن	ثلثی اللیل	جزواژگی
۱۲	۲۹ قیامت	الساق بالساق	جزواژگی
۱۳	۵ قدر	مطلع فجر	جزواژگی

۴-۵. تقابل معنایی

بین دو مفهوم که مولفه معنایی مشترک دارند ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگرند رابطه تقابل معنایی وجود دارد که اقسام آن عبارتند از: جهتی، خطی، متقاطع، ضمنی، تباین و واژگانی. واژه هایی که مفهوم یکی از آنها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته است، واژه های متقابل نامیده میشوند. به عبارتی دیگر واژگانی که در یک حوزه معنایی قرار دارند و مؤلفه های معنایی مشترک دارند؛ اما در یک مشخصه معنایی که حضور یا حضور نداشته آن مشخصه را بیان میکند از یکدیگر متمایز شده اند در این دسته از تقابل قرار می گیرند. البته بعضاً واژگانی به چشم میخورند که فی النفسه در تقابل نیستند؛ بلکه یکی از شرایط لازم و کافی آنها با هم در تقابل است.



در بسیاری از موارد ترکیبات با هم آیی را نمی توان با قاعده و دستور زبان بیان کرد و عوامل فرهنگی و یا قراردادی بودن این ترکیب باعث بوجود آمدن آن شده است که این خود می تواند زوایای بسیاری از یک فرهنگ و تمدن و زبان را بیان کند و بسیاری از نکات مبهم یک زبان پاسخی روشن ارائه دهد. زبان شما طبیعی تر و قابل فهم تر خواهد شد. برای بیان منظور خودتان کلمات و راه‌های جایگزین زیادی خواهید داشت. برای ذهن ما راحت تر خواهد شد تا ترکیب کلمات را بصورت یکپارچه بیاموزد. هم‌نشینی واژگانی تعیین کننده‌ی معنایی است که در یک عبارت یا جمله‌ی معینی نشان داده می‌شود.

جدول ۵. نوع هم معنایی (تقابل معنایی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۱۶، ۱۷۵ بقره	ضلاله و بالهدی	تقابل معنایی
۲	۱۷، ۲۵۷ بقره	نور و ضلمات	تقابل معنایی
۳	۲۰ بقره	اضاء و اظلم (روشنی و تاریکی)	تقابل معنایی
۴	۲۲، ۲۹، ۱۶۴، ۲۵۵ بقره	ارض و سماء	تقابل معنایی
۵	۲۸، ۷۳، ۱۶۴، ۲۴۳، ۲۵۹ بقره	حی و میت	تقابل معنایی
۶	۳۳ بقره	تبدون و تکتمون	تقابل معنایی
۷	۷۷ بقره	یُسْرُون و یعلنون	تقابل معنایی
۸	۸۵ بقره	دنیا و قیامت	تقابل معنایی
۹	۱۰۲ بقره	ضر و نفع	تقابل معنایی
۱۰	۱۱۴، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۱۷ بقره	دنیا و آخرت	تقابل معنایی
۱۱	۱۴۲، ۱۱۵، ۱۷۷، ۲۵۸ بقره	مشرق و مغرب (خطی)	تقابل معنایی
۱۲	۱۵۴ بقره	اموات و احیاء	تقابل معنایی

تقابل معنایی	هدی و فرقان	۱۸۵ بقره	۱۳
تقابل معنایی	عسر و یسر	۱۸۵ بقره	۱۴
تقابل معنایی	یقبض و یبسط	۲۴۵ بقره	۱۵

۶-۴. هم آوایی حوزه ای

هم آوایی حوزه ای یا رابطه تقابل تک بعدی و چند بعدی زمانی است که دو یا چند کلمه با دامنه معنایی یکسان باشند مانند پیاز و گوجه و خیار که در یک خانواده معنایی و کنار همدیگر ذکر میشوند اما هر کدام ماهیت و جنسی جداگانه دارند. با هم آیی متداعی یا حوزه ای نیز به باهم آیی واژه ها بر حسب ویژگی ای که آنها را در یک حوزه معنایی قرار میدهد، اطلاق میشود. به عنوان مثال در آیه «وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ» (اعراف: ۵۴) میتوان برحسب حوزه معنایی اجرام آسمانی واژگان «الشمس»، «القمر» و «النجوم» را در رابطه باهم آیی متداعی با یکدیگر دانست. علاوه بر آیه فوق الذکر، ترکیب «الشمس»، «القمر» و «النجوم» در دیگر سوره شریفه قرآن کریم نیز به کار رفته است.

بر حسب جوارح انسان نیز میتوان واژگان «السمع»، «الأبصار» و «الأفئدة» را در رابطه باهم آیی متداعی با یکدیگر دانست که در آیه شریفه «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفئِدَةَ...» (ملک: ۲۳) و دیگر آیات متعدد قرآن کریم به کار رفته است.

جدول ۶. نوع هم معنایی (هم آوایی حوزه ای) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۱۷ بقره	اضاءت و نور	هم آوایی حوزه ای
۲	۱۸ بقره	صم بکم عمی	هم آوایی حوزه ای
۳	۲۰ بقره	سمع و ابصار	هم آوایی حوزه ای
۴	۴۹ بقره	ابنا و نسا	هم آوایی حوزه ای
۵	۶۰ و ۱۸۷ بقره	كلو و شربوا	هم آوایی حوزه ای
۶	۶۱ بقره	فوم و بصل	هم آوایی حوزه ای



هم آوایی حوزه ای	الصلاه و الزکاه	۴۳، ۸۳، ۱۱۰، بقره ۲۷۷، ۱۷۷	۷
هم آوایی حوزه ای	ابراهیم و یعقوب	بقره ۱۳۲	۸
هم آوایی حوزه ای	ابراهیم و اسماعیل و اسحاق	بقره ۱۳۴	۹
هم آوایی حوزه ای	ابراهیم و اسماعیل و یعقوب و ابراهیم	۱۳۶، ۱۴۰، بقره	۱۰
هم آوایی حوزه ای	موسی و عیسی	بقره ۱۳۶	۱۱
هم آوایی حوزه ای	حج و اعتمر الحج و العمره	۱۵۸، ۱۹۶، بقره	۱۲
هم آوایی حوزه ای	خمر و میسر	بقره ۲۹	۱۳
هم آوایی حوزه ای	الوالدات، اولاد	بقره ۲۳۳	۱۴
هم آوایی حوزه ای	رزق و کسوت	بقره ۲۳۳	۱۵

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که هم آوایی حوزه‌ای (یا رابطه تقابل تک بعدی و چند بعدی) در بیشتر آیات سوره بقره ذکر شده است. تفاوت بین تقابل تک بعدی و چند بعدی این است که تک بعدی فقط در یک بعد معنایی متفاوت با هم دارند که یا پشت سرهم قرار می‌گیرند یا در ابتدا و انتها قرار دارند و به صورت مدور هستند. بین، سود، مثنی ثلاث، اما چند بعدی از دو بعد معنایی متفاوت هستند اعضاء گروه نسبت به یک نقطه مرجع در جهات متفاوت قرار می‌گیرند مانند: خمر و میسر، انصاب و ازلام، ید و رجل و افواه.

۴-۷. تقابل رابطه جنسی

هرگاه کلمات به عنوان ماده سازنده یک کلمه دیگر در جمله نقش آفرینی کند، در این صورت رابطه تقابل جنسی رخ داده است. در این نوع باهم آیی واژه دوم بیانگر جنس واژه محوری است. (شریفی و نامور فرگی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). در آیه شریفه «يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (حج: ۲۳) کلمات «ذَهَبٌ» و «لُؤْلُؤٌ» مبین جنس «أَسَاوِرَ» و «حَرِيرٌ» مبین جنس «لباس» است.

جدول ۷. نوع هم معنایی (تقابل رابطه جنسی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	نساء ۳۳، ۲۸	حجر بشراً و صلصال	تقابل رابطه جنسی
۲	مومنون ۱۲	انسان - طین	تقابل رابطه جنسی
۳	یس ۷۷	انسان - نطفه	تقابل رابطه جنسی
۴	ذاریات ۳۳	حجاره من طین	تقابل رابطه جنسی
۵	الرحمن ۱۵	الجان - النار	تقابل رابطه جنسی
۶	انسان ۲۱	سندس خضر	تقابل رابطه جنسی
۷	انسان ۲۱	اساور من فضه	تقابل رابطه جنسی

۴-۸. رابطه مکانی

این رابطه به تبیین و معرفی کلماتی که از نوع مکان و محل می باشند، می پردازد. به طور کلی ارتباط بین جفت واژه هایی که در آن یکی از دو واژه باهم آیند، بعد مکانی واژه دیگر را ترسیم میکند بر مبنای رابطه مکان تبیین پذیر است. در این راستا میتوان به ارتباط جفت واژه های السماء و ماء اشاره کرد که السماء مکانی برای نزول آب تعبیه شده است: «وَيُنزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» (روم: ۲۴).

جدول ۸. نوع هم معنایی (رابطه مکانی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	بقره ۱۵۸	صفا و مروه	رابطه مکانی
۲	مائده ۹۷	الکعبه البيت الحرام	رابطه مکانی
۳	۹۰ کهف	مطلع الشمس	رابطه مکانی
۴	۹۱ شعرا	الجحيم للغاوين	رابطه مکانی

۴-۹. رابطه علی

هرگاه در کلمات هم نشین یکی از کلمات علتی برای واژه دیگر باشد، این رابطه رخ داده است. رابطه ای که در آن یکی از دو واژه باهم آیند، علت و منشأ واژه دیگر واقع شود (پهلوان نژاد و

سزاوار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۶). به عنوان مثال در آیه شریفه «أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) «ذِكْرُ اللَّهِ» علت و منشأ «تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» معرفی شده است.

باید توجه داشت که دامنه‌ی هم‌نشینی کلمات مشابه در بین زبان‌ها یکسان نیست، ممکن است هم‌پوشی داشته باشند ولی تطابق کامل ندارند. احتمال فراوان می‌رود که در به‌کارگیری اولیه با اسم مطابقت داشته باشند ولی در معانی ثانویه و یا استفاده‌های مجازی چنین نباشند و هر واژه در هر زبان دارای یک دامنه‌ی هم‌نشینی همراه با محدودیت‌های خاص است که ترکیب‌های دیگر را مجاز نمی‌داند. یکی از نظریات سوسور که تقریباً در همه‌ی مکتب‌های ساخت‌گرایی اساس کار قرار گرفت، شناسایی یا تقطیع عناصر سازنده‌ی یک جمله (یا هر قطعه‌ی زبانی) بر مبنای دو نوع رابطه بود که رابطه‌ی جانشین و رابطه‌ی هم‌نشین خوانده شده است.

جدول ۹. نوع هم‌معنایی (رابطه علی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۲۶۲ و ۲۶۴ بقره	منا و اذی (منت و آزاری)	رابطه علی
۲	۹۷ توبه	کفرأ و نفاقا (علت نفاق کفر است)	رابطه علی
۳	۱ شمس	والشمس و ضحها	رابطه علی
۴	۲ شمس	انسان من علق	رابطه علی

۴-۱۰. رابطه صفتی - اسنادی

هرگاه که صفتی در معنای اسم آید و آن اسم را توضیح و توصیف کند و در بعضی موارد محدود نماید، این رابطه ایجاد شده است. این رابطه به تبیین ارتباط جفت واژه‌هایی می‌پردازد که یکی از دو واژه با هم آیند، مبین مشخصات و خصوصیات واژه‌ی دیگر است؛ به عبارتی دیگر صفتی همراه اسمی می‌آید و چگونگی اسم را از قبیل رنگ، شکل، اندازه، ارزش، حالت، وضع، نسبت و... بیان می‌کند (شریفی و مولوی، ۱۳۸۷، ص ۶۲). بنابراین رابطه اسنادی به نوعی رابطه اطلاق می‌شود که در آن هم آیی اسم و صفت، منجر به باهم آیی واژگانی می‌شود. در آیه شریفه «اولیس الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس: ۸۱) کلمات

باهم آیند «خلاق العليم» که از صفات خداوند محسوب میشوند، از این دست هستند. در آیه زیر نیز واژه مبين حالت و چگونگی فتح را بیان می کند: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح: ۲۸).

جدول ۱۰. نوع هم معنایی (رابطه صفتی اسنادی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۱ فاتحه	الرحمن الرحيم	رابطه صفتی اسنادی
۲	۲ فاتحه	رب العالمين	رابطه صفتی اسنادی
۳	۷ و ۱۱۴ بقره	عذاب عظيم	رابطه صفتی اسنادی
۴	۱۰، ۱۰۴، ۱۷۴، ۱۷۸ بقره	عذاب اليم	رابطه صفتی اسنادی
۵	۳۷، ۵۴، ۱۲۸، ۱۶۰ بقره	التواب الرحيم	رابطه صفتی اسنادی
۶	۹۰ بقره	عذاب مهين	رابطه صفتی اسنادی
۷	۹۹، ۲۱۱ بقره	آيات بينات	رابطه صفتی اسنادی
۸	۱۰۸ بقره	سواء السبيل	رابطه صفتی اسنادی
۹	۱۰۵ بقره	فصل العظیم	رابطه صفتی اسنادی
۱۰	۱۱۵ بقره	واسع عليم	رابطه صفتی اسنادی

۴-۱۱. رابطه زمانی

با هم آیی که زمان یا رخ دادن واژه دیگر باشد و یا هم معنایی که در محدوده زمان ایجاد گردد را گویند. این رابطه به تبیین ارتباط جفت واژه هایی می پردازد که یکی از دو واژه باهم آیند، زمان رخداد واژه دیگر باشد (سیدی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). در آیه «وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدَوْا مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زمر: ۴۷) رابطه باهم آیند سوء العذاب و یوم القیامه بیانگر رابطه زمان است که از وقوع عذاب دردناک در روز قیامت خبر میدهد.

به عنوان مثال در آیه «لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (طلاق: ۱۱) تبلور والاترین هدف الهی که هدایت انسانها از تاریکی به سوی نور است، در جای جای مصحف

شریف به چشم میخورد. این هدایت که در گذر از واژه الظلمات به سوی واژه النور عینیت پیدا می کند، مستلزم حرکت در واحد زمان است. در همین راستا میتوان به ارتباط دو جفت واژه «الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» در آیه شریفه «وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۳۵) اشاره کرد که قطعاً بیانگر این نکته است که زیست در دنیا مقدمه حرکت و انتقال به سوی آخرت است. لذا در آیات مختلفی از قرآن کریم (مانند: ابراهیم: ۳، بقره: ۸۶۷، نساء: ۷۴، یونس: ۶۴، توبه: ۳۸، رعد: ۲۶) این ترتیب خطی ملموس است.

جدول ۱۱. نوع هم معنایی (رابطه زمان) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۱۸۵ بقره	شهر مضان	رابطه زمان
۲	۱۹۰ آل عمران	اللیل و النهار	رابطه زمان
۳	۷۶ انعام	اللیل و کوباً	رابطه زمان
۴	۹۶ انعام	الاصباح و اللیل	رابطه زمان
۵	۱۱۴ هود	زلفاً من اللیل	رابطه زمان
۶	۲ رعد	اجل مسمی	رابطه زمان
۷	۶۵ حجر	قطع من اللیل	رابطه زمان
۸	۱۱ کهف	سنین عددا	رابطه زمان
۹	۱۹ کهف	بعض یوم	رابطه زمان

۴-۱۲. با هم آیی حجمی

زمانی که یکی از کلمات حکم ظرف را برای آن واژه داشته باشد، گویند. اجزاء تشکیل دهنده با هم آیی ها، هسته و وابسته، به طور تصادفی با یکدیگر هم نشین نمی شوند؛ بلکه محدودیت هایی در این همنشینی دخیل است؛ به گونه ای که هر هسته ای جزء وابسته خود را می طلبد که به وضوح معنایی آن ترکیب منجر میشود. با هم آیی مبین وجود رابطه بین واژگانی است که بر روی محور هم نشینی واقع شده اند. بعضاً به علت کثرت کاربرد برخی واژه ها با یکدیگر به محض مشاهده یکی از دو واژه با هم آیند در بافت زبانی، به طور ناخودآگاه واژه دیگر نیز به

ذهن متبادر می شود؛ البته باید متذکر شد که این یک اصل مطلق نیست. بعضاً نیز مشاهده می شود که مرز قاطعی بین روابط واژگانی وجود ندارد. رابطه بین دو جفت واژه لیل و النهار در قرآن کریم از این دست است از یک سو میتوان رابطه بین این دو واژه را باهم آیی عطفی قلمداد کرد.

جدول ۱۲. نوع هم معنایی (با هم آیی حجمی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۱۶۴ بقره	الفلک - البحر	با هم آیی حجمی
۲	۹۷ مائده	الکعبه بیت الحرام	با هم آیی حجمی
۳	۲۰ حجر	الارض - رواسی	با هم آیی حجمی
۴	۷۹ کهف	سفینه و بحر	با هم آیی حجمی
۵	۳ نور	مشکاه فیما مصباح	با هم آیی حجمی
۶	۲۵ فرقان	السماء بالغمام	با هم آیی حجمی
۷	۶ صافات	السماء - الکواکب	با هم آیی حجمی
۸	۴۴ الطور	السماء - سحاب	با هم آیی حجمی
۹	۲۳ واقعه	اللولو المکنون	با هم آیی حجمی
۱۰	۹ بلد	لساناً و شفقتین	با هم آیی حجمی
۱۱	۹ فجر	الصخر بالواد	با هم آیی حجمی

۴-۱۳. تداعی آوایی

نوعی از باهم آیی واژگانی است که سه حرف آنها با هم تشابه دارند و معمولاً یکی از آنان معنادار و دیگری بی معنا است اما مفهوم هم دو یکی است. یکی از شیوه های قرآن در بیان مفاهیم و مطالب از سوی خداوند حکیم، بهره گیری از شیوه خطاب و مخاطب است. خداوند با این اسلوب فضایی را فراهم می سازد تا ضمن فراخوانی بشریت در محضر الهی، آنها را متوجه پیام و کلام وحی کند. بی تردید خالق هستی به منظور جذب و هدایت همه انسانهایی که در پهنه زمین و گستره زمان می برند، قرآن را بر بستر قلب پیامبر عظیم الشان اسلام نازل کرد. در فرایند خطاب و مخاطب سه عنصر منادی آنکس که خطاب میکند، منادا آنکس که خطاب متوجه

اوست، و حروف ندا (ادات) و وسیله ندا هستند که بعضاً نیز ممکن است قید نشود، دخیل است. در آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (أحزاب: ۷۰) حرف «یا» ادات ندا، «مؤمنین» عنصر منادا و خداوند عزوجل نیز منادی است.

در این نوع باهم آیی دو یا چند واژه تنها به دلیل شباهت صوتی که با یکدیگر دارند، با هم به کار می‌روند؛ همچنین ممکن است با شنیدن یکی از این واژگان واژه دیگر نیز در ذهن تداعی شود. این نوع باهم آیی در هر زبانی یافت می‌شود که اغلب در این گروه واژه‌ها واژه دوم بی معنی است که در این صورت اغلب از آن به عنوان اتباع یاد می‌شود. اتباع و مهملات در زبان فارسی به عنوان مثال در زبان فارسی واژه‌های «کک و مک» و «نون مون» از این نوع هستند.

جدول ۱۳. نوع هم معنایی (تداعی آرایبی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۳ رعد	زوجین اثنین	تداعی آوایی
۲	۹۶ انبیا	یأجوج و ماجوح	تداعی آوایی
۳	۷۳ الفرقان	صمأ و عمیانا	تداعی آوایی

۴-۱۴. با هم آیی نبوی (آیت)

نوعی از باهم آیی واژگان است که معجزه یا ویژگی پیامبر یا نام پیامبر در کنار یکدیگر ذکر می‌شود. این نوع رابطه را میتوان خاص قرآن کریم دانست؛ چرا که آیت یا نشانه، ویژه انبیاست که خداوند سبحان در مصحف شریف بارها به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده است. کتابی که خود نیز معجزه بی بدیل پیغمبری است که به نص صریح قرآن درس نخوانده و با علما حشر و نشری نداشته است. رابطه آیت به تبیین ارتباط واژه‌هایی می‌پردازد که در آن یکی از دو واژه باهم آیند، نشانه‌ای دال بر وجود امری خارق العاده است که در کنف اختیار بشر نیست. به عنوان مثال در آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ...» (نمل: ۱۶) منطق الطیر اعجاز حضرت سلیمان است. نیز میتوان به معجزه فلک (کشتی) حضرت نوح (هود: ۳۶-۳۷) و معجزه شفای کور مادرزاد و برص «أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ» و زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) (آل عمران: ۴۹) اشاره کرد.

جدول ۱۴. نوع هم معنایی (با هم آیی نبوی) و منبع آن در قرآن کریم

ردیف	آیه	کلمه	نوع
۱	۶۰ بقره	موسی - عصا	با هم آیی نبوی
۲	۸۷ بقره	روح القدس	با هم آیی نبوی
۳	۱۰۲ بقره	ملک سلیمان	با هم آیی نبوی
۴	۲۵۱ بقره	داوود جالوت	با هم آیی نبوی
۵	۳۳ آل عمران	آدم و نوحاً و آل ابراهیم	با هم آیی نبوی
۶	۷۱ هود	اسحاق و یعقوب	با هم آیی نبوی
۷	۶ یوسف	ابراهیم و اسحاق	با هم آیی نبوی
۸	۴۵ مومنون	موسی و هارون	با هم آیی نبوی
۹	۴۸ ص	اسماعیل و السبع و ذالکفل	با هم آیی نبوی

نتایج تحقیق

باهم آیی واژگان در قرآن کریم، پدیده‌ای مرتبط با بافت زبانی یا سیاق آیات است که دلالت آیه، به واسطه چینش و گزینش واژگان، در همین بستر نمود پیدا می‌کند. در واقع، مخاطب با تحلیل نظم موجود در بافت زبانی و بررسی هم‌نشینی و ارتباط میان کلمات به معنایی دست می‌یابد که نویسنده در پی انتقال و تفهیم آن است.

هم نشینی کلمات یا گروهی از کلمات که میلی آشکار برای ظاهر شدن در کنار یکدیگر دارند، فرایند با هم آیی نامیده می‌شود که در شکل دهی نظام واژگانی و نحوی زبان نقش سازنده ای را ایفا می‌کند. چگونگی چینش و ترکیب حکیمانه واژگان با یکدیگر در قرآن کریم که حقیقتاً یکی از زیباییهای بی بدیل این کتاب الهی است، ساختاری را بر آن حاکم ساخته است که به هیچ روی امکان جایگزینی واژه ای را با واژه ای دیگر فراهم نمی‌کند. بررسی دقیق این باهم آیی ها، ما را به اسرار و حکمت‌های خالق هستی رهنمون می‌سازد و نشان می‌دهد که این نظم و انسجام نه تنها در مصحف شریف که در کل عالم هستی برقرار است. قدرت و خلاقیت خداوند عزوجل در تلفیق واژگان تناسب لفظی و معنایی دلنشینی را رقم زده است که سبب تأثیر عمیق کلام وحی بر دل بشریت است. به واقع باهم آیی ها زاینده نگرشی است که درصدد است تا مفاهیم حکمت گونه ای را به مخاطب خویش القاء کند.



«بافت زبانی» متنی است که از پیوند بین واژگان به وجود می‌آید و کلمه‌ها از طریق کاربرد در این بافت، معنا پیدا می‌کنند. «باهم آیی» همنشینی هدفمند واژگان در بافت زبانی متن است که در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان و القای مفاهیم مدنظر متکلم، تأثیر بسزایی دارد. باهم آیی واژگان در قرآن کریم، پدیده‌ای مرتبط با بافت زبانی یا سیاق آیات است که دلالت آیه، به واسطه چینش و گزینش واژگان، در همین بستر نمود پیدا می‌کند. در واقع، مخاطب با تحلیل نظم موجود در بافت زبانی و بررسی همنشینی و ارتباط میان کلمات به معنایی دست می‌یابد که نویسنده در پی انتقال و تفهیم آن است. در بسیاری از متون های ادبی معنای اصلی جمله با رمز گشایی یا دقت در معنای اصلی کلمات مقترن به دست می‌آید و یا مفهوم و تفسیر آن متن در توضیح کلمات مقترن حاصل می‌شود (لوبر معتقد است که با هم آیی دارای یک الگوی معنایی است که اتفاقی نیست).

رابطه همنشین نشان می‌دهد، عناصری که روی زنجیره گفتار کنار هم قرار می‌گیرند با یکدیگر رابطه‌ای دارند. در حالی که رابطه جانشین نشان می‌دهد عنصری که بالفعل در یک نقطه از زنجیره گفتار ظاهر شد با عناصر بالقوه‌ای که می‌توانستند در آن جایگاه قرار گیرند چه رابطه‌ای دارد. منظور از رابطه همنشینی آن است که کلمات وقتی در جمله کنار هم قرار می‌گیرند، با هر یک از اجزای دیگر جمله رابطه‌ای معنایی برقرار می‌کنند. در نتیجه این رابطه هر کدام از کلمات معنی خاصی می‌دهند. به گونه‌ای که امکان دارد اگر همان کلمه در جمله دیگری در کنار واژه‌های جدید دیگری به کار رود، معنی تازه‌ای بدهد که با معنی جمله قبل کاملاً متفاوت باشد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابراهیمی، شیما؛ پهلوان نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲ش)، «بررسی زبانشناختی با هم آیی های واژگانی در خمسه نظامی»، *نشریه ادب و زبان*، شماره ۳۴، صص ۳۳-۵۱.
- امیری، محمد؛ فکری، مسعود (۱۴۰۱ش)، «معناشناسی و ارزیابی ترجمه واژه عقل در قرآن کریم».
- مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۶، صص ۲۷۷-۳۰۳.

امیری فر، محمد؛ روشن فکر، کبری؛ پروینی، خلیل؛ کرد زعفران لو، عالیه (۱۳۹۶ش)، «چالشهای ترجمه در باهم آیی قرآنی، بررسی موردی ترکیبات وصفی و اضافی»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۵، صص ۱۹-۳۵.

انیس، ابراهیم (۱۹۸۰م)، *دلالة الالفاظ*، قاهره: مکتب الانجلو المصریه.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۷ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه: احمد آرام، تهران: نشر فرزاد.

باقری، مهدی (۱۳۸۴ش)، *مقدمات زبان شناسی*، تهران: دانشگاه پیام نور.

بشر، کمال (۱۹۸۷م)، *دور الکلمه فی اللغة*، قاهره: مکتب الشباب.

پناهی، ثریا (۱۳۸۱ش)، «فرایند با هم آیی و ترکیبات با هم آیند در زبان فارسی»، *زبان و ادبیات نامه فرهنگستان*، شماره ۱۹، صص ۱۹-۲۱۱.

خاکپور، حسین؛ حسومی، ولی الله؛ کیخا، فاطمه (۱۳۹۶ش)، «بررسی و تحلیل با هم آیی واژگانی، سوره‌های حج و مومنون»، *مطالعات متون اسلامی*، شماره ۴، صص ۱۵-۲۹.

داود، محمدمحمد (۲۰۰۳م)، «القرآن الکریم و تفاعل الامعانی»، *مجله حرب الکلمات فی الغزو الامریکی للعراق*، قاهره: دارالغریب.

سوسور، فردینان (۱۳۷۸ش)، *دوره زبان شناسی عمومی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.

شاهین، عبدالصبور (۱۴۰۵ق)، *فی التطور اللغوی*، بیروت: مؤسسه رساله.

شریفی، شهلا؛ نامور، مجتبی (۱۳۹۲ش)، «تقسیم‌بندی جدید انواع باهم آیی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی های فرامتنی در شکل‌گیری انواع باهم آیی»، *مجله زبان شناسی و گویش‌های خراسان*، شماره ۳، صص ۱۱۲-۱۳۵.

شریفی، علی (۱۳۹۴ش)، *معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تأکید بر ایزوتسو*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

صالحی، مجید (۱۳۷۴ش)، «آفرینش هنری در متون ادبی و کلام وحی»، *فصلنامه هنر*، شماره ۳۰، صص ۱۰۰-۱۳۹.

صفا، پیروش؛ زمانی، مینا (۱۳۹۱ش)، «بررسی مقایسه ای باهم آیی در کنش زبانی بیان شدت در فرانسه و فارسی»، *تشریح جستارهای زبانی*، شماره ۳، صص ۲۲-۴۰.

صفوی، کوروش (۱۳۷۹ش)، *از زبان شناسی به ادبیات*، تهران: انتشارات قدس.

- صفوی، کوروش (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: سوره مهر.
- عاصی، مصطفی (۱۳۶۸ش)، «نقش ترکیب در گسترش واژگان زبان فارسی با نگرشی بر آثار نظامی گنجوی»، *مجله فرهنگ*، شماره ۱۰، صص ۲۱۱-۲۳۲.
- عبدالعزیز، محمدحسن (۱۴۱۰)، *المصاحب فی التعبير اللغوی*، قاهره: دار العلم.
- قائمی، مرتضی؛ صاعدانور، فائزه (۱۳۸۶ش)، *ساخت‌های هم پایه در جزء سی ام قرآن کریم*، قم: راه حق.
- قهرمانی نژادشایق، بهالدین؛ جاورتی، محمدجواد (۱۳۹۵ش)، «بررسی اعجاز لفظی و هنری قرآن کریم و ارتباط با آوا معنایی»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۴، صص ۷۸-۱۰۰.
- کرد، محمد (۲۰۰۳م)، *تطور الالفاظ و التراکیب و المعانی*، قاهره: دار غریب.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱ش)، *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مرسلی، نوش آفرین؛ مهتدی، حسین؛ فرع شیرازی، سیدحیدر (۱۳۹۷ش)، «معناشناسی واژه عذاب در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، شماره ۶، صص ۱۵۵-۱۸۵.
- هاشمی، اسماعیل، ایازی، سید محمدعلی، توانایی، محمد حسین، مهریزی طرقی، مهدی. (۱۴۰۲ش). «کاربست چندمعنایی واژگان قرآنی در ترجمه های فارسی (مطالعه موردی سوره آل عمران در ترجمه های قرن اول تا نهم)»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۶، صص ۲۶۳-۲۸۴.
- وافی، علی عبدالواحد (۱۹۹۷م)، *علم اللغة*، قاهره: دارالفکر العربی.

Bibliography:

- The Holy Qur'an.
- Abdul Aziz, Muhammad Hassan (1410SH), "Al-Mashab fi al-Tabeer al-Laghwi", Cairo.
- Amiri, Mohammad, Fekri, Masoud (1401SH). "Semantics and evaluation of the translation of the word 'Aql' in the Holy Quran". *Quran and Hadith Studies*, 16(1), 277-303.
- Amiri-Far, Mohammad, Roshan Fekar, Kobri, Parvini, Khalil, Kurd Saffron Lo, Alia (2016), "Challenges of Translation in Quranic Verses, a Case Study of Descriptive and Additional Compounds", *Journal of Quran and Hadith Translation Studies*, 3 (5), 19-35.

- Anis, Ebrahim (1980), "Dalala Al-Al-Faz", Cairo, Al-Angelo Al-Masriyya School, 4th edition.
- Asi, Mustafa (1368), "The role of compounding in the expansion of Persian language vocabulary with an attitude on Ganjavi's military works", Farhang Magazine, 10(4), 211-232.
- Bagheri, Mehdi (1384), "Introductory Linguistics Book", Payam Noor University, Tehran.
- Beshr, Kamal (1987), "Dural al-Kalma, Fai al-Lagheh", Cairo, Al-Shabaab School.
- Daoud, Mohammad Mohammad (2003), "Al-Qur'an al-Karim and Al-A'mani interaction, Harb al-Kalimat magazine in the American invasion of Iraq", Cairo, Dar al-Gharib.
- Ebrahimi, Shima and Pahlan Nejad, Mohammad Reza (2013), "Linguistic study with lexical rhymes in Khamsa Nizami", Adab and Zaban Magazine, ۳۴(۱۱), ۳۳-۵۱.
- Ghahrani Nejadshaik, Bahaddin, Javarti, Mohammad Javad (2015), "Examination of the verbal and artistic miracles of the Holy Quran and its relationship with the semantic sound", Scientific-Literary Qur'anic Research Quarterly, 4(3), 78-100.
- Hashemi, Esmail, Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, Faghe, Mohammad Hossein, Mehrizi Toroghi, Mehdi. (1402). "The use of multiple meanings of Quranic words in Persian translations (a case study of Surah Al-Imran in translations from the first to the ninth century)". Quran and Hadith Studies, 16(2), 263-284.
- Izutsu, Toshi Hiko (1387), "God and Man in the Qur'an", translated by Ahmad Aram, Tehran: Farzan Publishing.
- Khakpour, Hossein, Hasoumi, Waliullah, Kikha, Fatemeh (2016), "Research and Analysis of Lexical Verses, Surahs of Hajj and Mominun", Islamic Texts Studies Quarterly, 2(4), 15-29.
- Kurd, Mohammad (2003), "Evolution of Al-Faz and al-Taraqib and Meanings, Cairo", Dar Gharib, Jap I.
- Lotfipour Saedi, Kazem (1371), "Introduction to the Principles and Method of Translation", Tehran: University Publishing Center, first edition.
- Mursali, drinker; Mehtadi, Hossein; Fara Shirazi, Seyyed Haydar (2017), "The Semantics of the Word Torment in the Holy Qur'an, relying on the relations of cohabitation and succession", scientific-research quarterly, Literary-Quranic Researches, 6(3), 155-185.
- Newmark, Bacon and Larson (1988), "Translation Studies in Arabic Language and Literature", 7(16), 161-186.

- Panahi, Soraya (1381), "The Process of Rhyming and Combinations in Persian Language", *Language and Literature*, Farhangistan Name, 19, 199-211.
- Qaemi, Morteza, Saedanoor, Faezeh (2006), "Synonymous constructions in the 30th part of the Holy Qur'an."
- Safa, Paryosh, Zamani, Mina (2013), "A comparative study of the conjunction in the linguistic action of expression of intensity in French and Persian, *Journal of Linguistic Journals*, 11(3), 22-40.
- Safavi, Korosh (1379), "From Linguistics to Literature", Quds Publications.
- Safavi, Korosh (2007), "Introduction to Semantics", 3rd edition, Tehran: Surah Mehr.
- Salehi, Majid (1374), "Artistic creation in literary texts and the word of revelation", *Art Quarterly*, 30, 139-100.
- Saussure, Ferdinand (1378), "General Linguistics Course", translated by Koresh Safavi, Tehran: Hermes.
- Shahin, Abd al-Sabour (1405 AH), "Fi al-Tawafi al-Laavi", Beirut, Risala Institute, second edition.
- Sharifi, Ali (2014), "The Semantics of the Qur'an in the Thought of Orientalists with an Emphasis on Izutsu", Qom: University of Religions and Religions Publications, first edition.
- Sharifi, Shahla, Namour, Mojtabi (2013), "A new classification of lexical compound types by considering the hypertextual features in the formation of compound types", *Journal of Linguistics and Dialects of Khorasan*, 7(3), 112-135.
- Wafi, Ali Abd al-Wahed (1997), "Alem al-Laghe Cairo Dar al-Fikr al-Arabi", second edition.